

دلایل هنجارین «ایثار و از خودگذشتگی» در اخلاق و حیانی

محمدامین خوانساری*

چکیده

ایثار و از خودگذشتگی از جمله مفاهیم و اصول اساسی در اخلاق اسلامی است که براساس آن، انسان با نادیده انگاشتن منافع شخصی، دیگری را بر خویشتن مقدم می‌کند. دلایل و تبیین‌های مختلفی برای ایثارگری می‌توان بیان کرد. در پژوهش حاضر کوشیده ایم که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه به قرآن و حدیث، دلایل هنجاری و وجه ارزشمندی ایثار را تبیین کنیم و به این پرسش بپردازیم که از منظر اخلاق ماثور، چرا انسان باید برای دیگران از منافع شخصی خویش بگذرد. آیا دلایل نتیجه‌گرایانه‌ای وجود دارد یا وظایف و فضایلی هستند که انسان را به ایثارگری می‌رسانند در پاسخ به این پرسش؛ بر اساس نظریه‌ها و دسته‌بندی‌های رایج اخلاق هنجاری این مسئله، ارزیابی و تحلیل شده است. ارزیابی و تحلیل آیات و روایات نشان می‌دهد که در اخلاق نقلی، دلیل واحدی برای ایثارگری نیست بلکه دلایل متفاوتی برای ایثارگری وجود دارد. در برخی موارد، ایثارگری به دلایل نتیجه‌گرایانه است. عامل به دنبال کسب منفعتی است که این ایثارگری در مواردی از جمله کسب منافع اخروی ارزشمند است. در مواردی نیز ایثارگری به دلایل وظایف‌گرایانه مانند اقتضای امرالهی یا عقل است. در مواردی نیز می‌توان گفت که منش و شخصیت ایثارگرایانه است که فرد از خودگذشتگی می‌کند و پروای دیگران را دارد.

کلیدواژه‌ها

اخلاق اسلامی، اخلاق نقلی، اخلاق هنجاری، ایثار، ایثارگری، از خودگذشتگی.

* استادیار پژوهشگاه قرآن و حدیث قم، ایران. قم. (khansari.m@riqh.ac.ir) | (تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱)

□ محمدامین خوانساری (۱۴۰۳). دلایل هنجارین «ایثار و از خودگذشتگی» در اخلاق و حیانی، *فصلنامه اخلاقی و حیانی*، ۲ (۳۱)، ۷۷ - ۹۷.

مقدمه

ایثار از ریشه «أثر» و در لغت، به معنای «تقديم الشيء (مقدم داشتن چیزی)» است. در مقابل، لغت «استثثار» به معنای «مقدم داشتن خود یا وابستگان و هواداران خود بر دیگران در تأمین نیازها و خواست‌ها» است. «در فلان چیز بر او استثثار ورزیدم» یعنی «آن را ویژه خویش گردانید و به انحصار خود در آورد». (نک: العین: ص. ۳۷، ماده «أثر» و معجم مقاییس اللغة: ج. ۱ ص. ۵۳، ماده «أثر») در اصطلاح، ایثار به معنای «مقدم کردن منفعت یا حاجت دیگری بر منفعت یا حاجت شخصی» است. به عبارتی دیگر، ایثار را می‌توان «مقدم داشتن دیگری بر خود در جلب سود و منفعتی یا پرهیز از ضرر» تعریف کرد.

در احادیث اسلامی ایثار و از خود گذشتگی، امری پسندیده شمرده شده است؛ برای مثال در وسائل الشیعه (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج. ۹، ص. ۴۲۹) بابی با عنوان «استحباب الایثار علی النفس و لو بالقلیل لغیر صاحب العیال» گشوده شده و ذیل آن به روایات مختلفی درباره ایثار پرداخته شده است. دسته‌بندی‌های مختلفی درباره ایثار در قرآن و حدیث وجود دارد. از جمله اینکه ایثار» به حسب نیازهای دیگران، انواع و صورت‌های گوناگونی دارد. «ایثار در مال» (فرد از مال خویش به نفع دیگران بگذرد). «ایثار در دعا» (فرد طلب‌کننده، خواسته‌ها و نیازهای معنوی و مادی دیگران را مقدم بر خویش بدارد).^۱ «ایثار در پرسش» (دیگری را بر خود در پرسش و درخواست مقدم نماید).^۲

۱. کانت فاطمة عليها السلام إذا دعت تدعو للمؤمنين والمؤمنات ولا تدعو لنفسها، فقيل لها: يا بنت رسول الله! إنك تدعين للناس ولا تدعين لنفسك! فقالت: الجائر ثم الدار فاطمه عليها السلام (دانشنامه قرآن و حدیث، ج. ۱، ص. ۱۰۹).
 ۲. ... فقال النبي صلى الله عليه وآله: أما أنت يا أخت الأنصار فإنيك من قوم يؤثرون على أنفسهم وأنت قزوى وهذا التقيي بدوى أفتؤثرون بالمسألة؟ فقال: نعم، قال: أما أنت يا أخت تقيف فإنيك جئت تسألني عن وضوئك وصلاتك وما لك فيهما من الثواب ... (دانشنامه قرآن و حدیث، ج. ۱، ص. ۱۱۲).

بالاترین نوع از ایثار هم «ایثار در جان» است. (نک: محمدی ریشه‌ری، ۱۳۹۱ ج. ۱، ص. ۱۰۹-۱۱۲) همچنین «ایثار» به حسب اینکه متعلق ایثارگری چه افرادی هستند، متفاوت است و بر این اساس، اولویت‌هایی در ایثارگری لحاظ شده که از جمله آنها مقدم داشتن نزدیکان، اهل ایمان و نیازمندان است. (نک: محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۱، ج. ۱، ص. ۱۵۴-۱۵۶)

برخی اندیشمندان مسلمان، فضیلت ایثار را از فضایل فرعی ذیل سخاوت تعریف کرده‌اند. ابن مسکویه که ایثار را ذیل فضایل فرعی سخاوت همچون کرم، نبل، مواسات، سماحت و مسامحه آورده است. «ایثار» فضیلت نفسانی است که شخص بر خود، سخت می‌گیرد تا آنکه به مستحق آن بذل کند. کسی متصف به این صفت نیکو است که با وجود احتیاج، از آن پرهیز کند تا آن را برای دیگران ایثار نماید. (ابن مسکویه ۱۴۲۶، ص. ۱۰۴) غزالی و فیض نیز بر همین هستند و «ایثار را بالاترین درجات سخاوت» دانسته‌اند (غزالی، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۴۷ و فیض کاشانی، ۱۴۱۷ ج. ۶، ص. ۷۹). نراقیین در جامع السعادات و معراج السعاده، ایثار را بالاترین درجه جود و سخاوت دانسته‌اند که عبارتست از «بخشش و جود، با وجود احتیاج و ضرورت خود.» (ملا مهدی نراقی، ج. ۲، ص. ۱۲۲، و ملا احمد نراقی، ۱۳۷۸، ص. ۴۰۹) بنابراین مؤلفه‌های ایثار در نگاه اندیشمندان اخلاقی اسلامی عبارت است از؛ فضیلت و ملکه اخلاقی بودن ایثار؛ ایثار فضیلت فرعی ذیل سخاوت است؛ شرط بودن نیازمندی فرد در صدق ایثار بر منش و کنش وی؛ ایثار، بالاترین مرتبه جود و بخشش است؛ شخصیت و منش ایثارگرایانه در فضیلت‌مندی اهمیت دارد. عامل اخلاقی باید به درجه‌ای از فضیلت‌مندی برسد که بتواند از خودگذشتگی بکند و مسئولیتش در قبال دیگران را با وجود احتیاج و ضرورت نیاز شخصی انجام دهد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر اینست که دلایل هنجاری اینارگری و از خودگذشتگی چیست. چرا انسان باید از خویشتن گذر کند و به خاطر دیگران از نیازهای مادی و معنوی خویش بگذرد. بنابراین پرسش حاضر را صرفاً در اخلاق نقلی بررسی خواهیم کرد. رویکردی که در پاسخها خواهیم داشت نیز هنجاری است. رویکرد هنجاری به دنبال تعیین معیارهای درستی و خوبی است. «نظریه‌های اخلاق هنجاری» به دنبال تبیین معیار درستی و خوبی و ارزش‌ها و الزام‌های اخلاقی هستند. نظریه‌هایی که به مرور در مواجهه اندیشمندان اخلاق با مسائل اخلاقی شکل گرفته‌اند. نظریه‌های نتیجه‌گرا، وظیفه‌گرا و فضیلت‌گرا، را می‌توان سه نظریه رایج اخلاق هنجاری دانست (نک: لاودن، روبرت، ۱۳۹۲، ص. ۳۹۰ - ۳۹۱). هرچند نظریه‌ها و رویکردهای ترکیبی دیگری در فلسفه اخلاق وجود دارد اما این سه رویکرد را می‌توان رویکردهای غالب دانست. بر این اساس، معمولاً نظریه‌های اخلاقی به سه گونه اصلی نتیجه‌گرایانه، وظیفه‌گرایانه و فضیلت‌گرایانه تقسیم می‌شوند که به نتایج، وظایف و فضایل اهمیت می‌دهند. دو نظریه نخست، اصول و قوانین مربوط به عمل را تبیین می‌کنند، اما فضیلت‌گرایی، تأکید بر فرد صاحب فضیلت دارد. پژوهش حاضر بر آن است که گزاره‌های مرتبط درباره اینار، در سه بخش نتیجه‌گرایانه، وظیفه‌گرایانه و فضیلت‌گرایانه تبیین و تحلیل کند.

تبیین دلایل هنجاری اینار در قرآن و حدیث

در تحلیل دینی از مسئولیت اینارگرایانه، دلایل و معیارهای متفاوتی بیان شده است. در برخی موارد، اینار در فضایی نتیجه‌گرایانه طرح شده است که عامل باید نتایجی را برای خودش یا دیگران فراهم نماید. در مواردی نیز اقتضای وظایف و حقوق دیگران است. در مواردی هم تأکید بر منش و شخصیت فضیلتمند است که اقتضای اینارگری دارد. به

عبارت دیگر، گاهی نتایج و وظایفی طرح شده‌اند که ضرورت ایثار را ایجاب می‌کنند. در مواردی هم فرد فضیلت‌مند به فضیلت ایثار رسیده و ایثارگری می‌کند. پیش از ورود به تحلیل آیات و روایات مرتبط باید اشاره به این گردد که دلایل هنجاری گونه‌های متفاوتی دارند که در اینجا همه آنها مدنظر هستند. در برخی گزاره‌های دینی، معیار و میزان‌های عملی برای تمیز ارزش از ضد ارزش، و اخلاقی را از ضد اخلاقی بیان شده است. در برخی نیز غایت یا فایده طرح شده است. غایت معلول و محصول حقیقی و اصلی یک فعل است که ارزش فعل از آن ناشی می‌شود. فایده معلول اصلی و حقیقی فعل نیست ولی بخشی از محصولات فرعی و نتایج جانبی یک فعل به حساب می‌آید. در مواردی نیز توجه به نیت‌ها و انگیزه‌ها و هدف ذهنی عامل اخلاقی شده است. بنابراین با عنایت به این گوناگونی میان دلایل، سعی خواهیم کرد که دلیل اصلی متبادر را تبیین کنیم. هرچند که باید اذعان داشت که در برخی موارد، دلایل چند وجهی و ترکیبی هستند.

یک. نتیجه‌گرایی

بر اساس نظریه‌های نتیجه‌گرایانه یا غایت‌گرایانه^۱، عمل اخلاقی عملی است که نتیجه و غایت خوبی داشته باشد. ملاک اساسی درست یا نادرست اخلاقی، ارزش غیر اخلاقی است که به وجود می‌آورد؛ در صورتی عمل یا مفهومی مانند «ایثار» «صواب» است یا «باید» انجام بگیرد که خودش یا قاعده‌ای که تحت آن قرار می‌گیرد، منجر به بیشترین خیر شود و در صورتی نیز خطاست که چنین نباشد. (نک: هورکا، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۲؛ فرانکنا، ۱۳۸۹، ص. ۴۵). خودگرایی، دیگرگرایی و فایده‌گرایی از جمله این نظریه‌ها هستند که بر منفعت شخصی، منفعت دیگران و منفعت همگانی تاکید

1. theological theories

دارند. براین اساس، عامل اخلاقی، به واسطه منافع کوتاه مدت یا بلندمدتی که ایثار برای وی در پی خواهد داشت، ایثارگری می‌کند. به طور مثال از منافع کوتاه مدت دنیوی گذر کرده تا به منافع بلندمدت اخروی نائل گردد. در مواردی هم باید بی توجه به منافع شخصی و به دنبال مخالفت با حب نفس باشد و حب غیر بر را بر حب نفس مقدم بشمرد و توجه به نیازهای دیگران کند. در مواردی هم نفع همگانی محل توجه است.

در برخی گزاره‌های دینی، آثار و نتایجی برای فرد ایثارگر ذکر شده است که فرد به دلایلی از جمله نتایج مادی و اخروی یا انگیزه‌های دنیوی و دینی، ایثارگری و از خودگذشتگی می‌کند. در روایاتی از امام علی علیه السلام توجه و توصیه به محبت و ایثار متقابل شده است.

الإمام علی علیه السلام: تَحَبَّبَ إِلَى خَلِيلِكَ يَحِبُّكَ، وَأَكْرَمُهُ يَكْرِمُكَ، وَأَثَرُهُ عَلَى نَفْسِكَ يُوْثِرُكَ عَلَى نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ؛ به دوستت مهر ب‌ورز تا به تو مهر ورزد، و او را گرامی بدار تا تو را گرامی بدارد، و او را بر خویشتن، مقدم بدار تا او نیز تو را بر خویشتن و خانواده اش مقدم بدارد. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۳۲۰)

انسان به دیگری، مهرورز باشد تا دیگری هم وی را گرامی بدارد یا اینکه دیگری را بر خویشتن مقدم بدارد تا دیگران نیز او را بر خود و خانواده اش مقدم بدارد. دیگری در اینجا همان دوست فرد ایثارگر است. در اینجا علاوه بر اینکه به نتیجه محبت و ایثار توجه داده شده است، به صراحت آن را به صورت متقابل دانسته است که محبت و ایثار بورز تا او همچنین کند. همچنین در حدیثی، توصیه به ایثارگری شده است، زیرا انسان ایثارگر، «با ایثار، اختیاردارِ دیگران» می‌شود.

«الإِثَارِ عَلَى نَفْسِكَ تَمْلِكُ الرَّقَابَ؛ به وسیله ایثار و برگزیدن دیگران بر نفس خود، می توانی مالک و اختیاردار دیگران شوی» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ص. ۳۰۲)

مطابق شرح آقاجمال خوانساری از این روایت، مراد به «ایثار بر نفس» برگزیدن دیگری بر خود و عطا کردن به دیگری، چیزی را که خود فرد بدان محتاج باشد اما ظاهر است که بخشش ها و دهش های کسی بر این وجه، سبب این میشود که مالک گردن ها گردد یعنی مردم مطیع و فرمانبردار او گردند بر وجهی که گویا مالک رقاب ایشان است. (خوانساری ۱۳۶۶، ج. ۳ ص. ۲۲۷) گفتنی است این بدان معنی نیست که هدف قصد شده فرد ایثارگر چنین است که دیگران مطیع وی شوند، اما به هر حال نتایجی بر ایثار مترتب است که آن نتیجه به عامل ایثارگر می رسد. به عبارت دیگر، در اینجا اشاره به فواید ایثارگری شده است و نه انگیزه یا معیار یا غایت از ایثارگری. در برخی روایات، آثار و نتایجی برای فرد ایثارگر ذکر شده است که فرد به دلایلی از جمله نتایج اخروی و انگیزه های دینی مانند «رستگاری، بندگی آزادگان، آمرزش و مغفرت، ایثار متقابل، شفاعت و رسیدن به مقامات اعلی» ایثارگری می کند. (نک: محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج. ۱، ص. ۲۶-۳۰) در همه این موارد، نباید اینگونه تصور شد که ایثارگری صرفاً به انگیزه یا غایت این نتایج است بلکه در بسیاری از موارد، فرد صرفاً به دلیل کسب پاداش، ایثارگری نمی کند بلکه دلایل و انگیزه های دیگری از جمله رضایت الهی یا وظایف الهی هم مدنظر هستند که در بخش های دیگر به آنها نیز خواهیم پرداخت.

یکی از صریح ترین آیات درباره ایثارگری، آیات سوره مبارکه حشر است که از منظرها و جوه مختلف می توان به تشریح آیه پرداخت. در آیات سوره حشر وصف مسئولیت پذیری و ایثارگری، برخی از انصار آمده است که در حال فقر، از مسلمانان مهاجر، پذیرایی

و آنان را بر خویش مقدم می‌دارند. تفسیر و تحلیل این آیه، را می‌توان از منظرهای مختلف نتیجه‌گرایانه (اعم از خودگرایی و دیگرگرایی) و وظیفه‌گرایانه بررسی کرد.

«وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و نیز کسانی که قبل از مهاجران در مدینه جای گرفته و ایمان آورده‌اند؛ هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده، دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است، در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد، آن‌ها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از حسد نفس خود مصون ماند، ایشان‌اند که رستگاران‌اند» (سوره حشر: ۹).

انصار در عین نیاز و احتیاج شخصی، ایثارگری می‌کردند و به دیگران می‌بخشیدند؛ گرچه خود به آن محتاج‌تر بودند: «يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ». آنان چشم‌داشتی به غنائم نداشتند و حتی در دل هم احساس نیاز نمی‌کردند. «لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا». براساس تفاسیر، انصار حتی در دل‌هایشان چنین نمی‌گذشت که چرا رسول خدا غنائم جنگی را به مهاجران می‌داد و از این بابت نه دلتنگ شدند و نه حسد ورزیدند و نه خشمگین شدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۳۹۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج. ۱۹، ص. ۲۰۶). این به معنای گذر از خودخواهی و امیال شخصی و رسیدن به مرحله‌ای از مسئولیت‌پذیری است که از منافع خویش به نفع دیگری چشم‌پوشی کند. نکته بعدی، نقش انگیزه در اعمال مسئولانه و ایثارگرانه است. محبت در اینجا، اشاره به عامل انگیزشی و درونی برای ایثارگری است. ایثارگران کسانی را که به آنان احتیاج دارند و به سوی آنها مهاجرت کرده‌اند، دوست دارند: «يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ». محبت، ویژگی سرشتی و

مستمری است که عاملان اخلاقی را سوق به مسئولیت و از خودگذشتگی داده است. در اینجا ممکن است چنین گفته شود که «شاید انصار به انگیزه فلاح و رستگاری خود ایثارگری کرده‌اند، نه برای مهاجران». حب ذات منجر به حب دیگری شده است. یعنی مسئولیت‌های خودخواهانه آنها را سوق به انجام اعمال مسئولانه در قبال دیگران داده است. در نتیجه هنگامی که حب ذات در میان نباشد، حب غیر هم از بین می‌رود و در نتیجه مسئولیتی متصور نیست. هر چند که چنین تفسیری نیز منافاتی با مسئولیت‌پذیری انصار ندارد زیرا در این صورت هم فعلی اخلاقی و مسئولانه داشته‌اند و شاید برخی افراد هم به واسطه منافع بلندمدت اخروی، دست به چنین انتخابی بزنند و از منافع کوتاه مدت خویش برای دستیابی به منافع بلندمدت خویش گذر کنند اما این را نباید تعمیم داد. چنانچه فردی، مسئولیتش در قبال دیگران را انجام دهد و حتی ایثارگری کند و از مال و جان خویش به نفع دیگری گذر کند، اگر به چنین فردی پاداش تعلق بگیرد، صرفاً به این معنا نیست که هدف آنها دستیابی به این پاداش بوده است. زیرا در برخی موارد، شاید عملی متعلق پاداش و جزا قرار بگیرد اما نیت و انگیزه عامل اموری مانند امرالهی یا محبت دیگرخواهانه یا فضیلت ایثار بوده است.

باید میان هدف و فایده، فرق گذاشت؛ در اینجا می‌توان گفت که هر چند بابت مسئولیت‌پذیری عامل ایثارگر، پاداشی به فرد برسد، اما لزوماً به این معنا نیست که همه قصد و انگیزه و نیت آنها، کسب این پاداش بوده است. بلکه عمل آنها به هر حال مستحق پاداش و تحسین اخلاقی است. مسئولیت‌پذیری و ایثارگری در همه حال، سزاوار مدح و پاداش است. مضافاً بر اینکه، این گونه نیست که در همه موارد، تعارضی میان «خود» و «دیگری» باشد. در بسیاری موارد، تعارض و تزاممی وجود ندارد و ممکن است هم

«خود» و هم «دیگری» بهره‌مند شوند و همین که در کنار خود، جایی برای دیگری باشد و به آنها سود برسد، برای آنها کافی است.

نکته دیگری که در آیات سوره حشر وجود دارد، گذر از «شح نفس» است. در تفسیر «شح نفس» نکات مختلفی ذکر شده است. فخر رازی شح نفس را همانند بخل دانسته است؛ با این تفاوت که بخل، فعل ممانعت کردن است، ولی شح، صفت و حالت نفسانیه‌ای است که اقتضای منع می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج. ۲۹، ص. ۵۰۸). این صفت، از امهات رذایل است و کسی که دچار آن گردد، از همه خیرها محروم می‌گردد و کسی که بر آن غالب گردد و نفس را از آن پاک گرداند، از زشتی‌ها و خطرات دور می‌گردد (مغنیه، ۱۴۲۴، ج. ۷، ص. ۲۹۰). در برخی تفاسیر، تعبیر «یوقُّ شحَّ نَفْسِهِ» به معنای «مصون ماندن از نفس» آمده است تا به این مطلب اشاره شود که شح، دشمن نفس است و به محض اینکه انسان از آن غفلت ورزد، بر او غالب می‌شود (خطیب، بی تا، ج. ۱۴، ص. ۸۶۲). همچنین می‌توان گفت که «شح» اشاره به صفت نفسانی دارد که بخل به همراه حرص را در پی دارد و به «عادت رفتاری» تبدیل شده است. «مجاهده علیه نفس» به این است که با «حب مال» و «بغض از انفاق» که بر نفس غالب است، مخالفت گردد (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج. ۵، ص. ۲۰۰). براساس تحلیل «شح نفس»، افرادی می‌توانند ایثارگرایانه رفتار کنند که از خست نفس خویشان مصون بمانند. از دیدگاه اخلاق قرآنی، رسیدن به مقام ایثارگری در گرو این است که انسان از حالات نفسانی (شح نفس) و از دایره خود رها گردد. انسان باید از نفس خویش گذر کند و خویش را از رذایل اخلاقی پاک کند تا بتواند مسیر صعودی داشته باشد. براساس آیه سوره حشر، انصار، کسانی بودند که علیه نفس خود مجاهده کرده و از خست نفس رها شده‌اند: «وَمَنْ يوقُّ شحَّ نَفْسِهِ»^۱.

۱. بخشی از نکات و تفسیرهایی که ذیل آیه مبارکه سوره حشر آورده شد به تفصیل در مقاله (صادقی و خوانساری ۱۳۹۵) آمده است.

همانطور که گفته هر چند که برای اعمال ایثارگرایانه، فواید و نتایجی وجود دارد و متعلق تحسین دیگران و پاداش الهی است اما نکته مهم اینست که ایثارگر باید گذر از خویشتن به نفع دیگران بکند. بخل، شح نفس، شهوت و خواسته‌های شخصی، موانعی هستند که باید از آنها در مسیر ایثارگری گذر کرد.

أَيُّمَا أَمْرٍ إِشْتَهَى شَهْوَةً فَرَدَّ شَهْوَتَهُ وَ أَثَرَ عَلَى نَفْسِهِ غُفِرَ لَهُ؛ هر کس هوس کند و دست رد به سینه هوس خویش بزند و دیگری را بر خود مقدم بدارد، آمرزیده می‌شود. (ورام بن ابی فراس ۱۴۱۰، ج. ۱ ص. ۱۷۲)

در منظر روایات، جوهره ایثار، از خودگذشتگی و گذر از نفس است و در این مسیر است که انسان می‌تواند به خصلت‌های نیک برسد و جوهره نفس وی نمایان شود. عِنْدَ الْإِثَارِ عَلَى النَّفْسِ تَبَيَّنُ جَوَاهِرُ الْكِرْمَاءِ. هنگام ایثار است که جوهره نفس نمایان می‌شود. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۹۶. این ایثارگری میتواند به جایی برسد که فرد فارغ از خود و متعلقات خویشتن شده و به نفع همه انسان‌ها رفتار کند. به گونه که دیگری را بر مال و زن و فرزندان خویش، مقدم بدارد. أَخْوَكُ الصَّدِيقُ مَنْ وَقَاكَ بِنَفْسِهِ، وَأَثَرَكَ عَلَى مَالِهِ وَوَلَدِهِ وَعَرْسِهِ. برادر راستین تو، کسی است که با جانش تو را پاس بدارد، و تو را بر مال و زن و فرزندان خویش، مقدم بدارد. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۱۱۲).

دو. وظیفه‌گرایی

نظریه‌های وظیفه‌گرایانه بر این باورند که عمل و قاعده‌ای درست است که فارغ از نتایج، با نیت خیر و برای انجام تکلیف انجام گیرد. در این منظر، ایثار ارزش ذاتی دارد. اصول وظیفه‌گرایانه عموماً به شکل کلی و وابسته به فاعل مطرح می‌شوند؛ یعنی اهداف و الزام‌های هر فرد را به گونه‌ای که مستلزم استناد حذف‌ناشدنی به خود فاعل یا موقعیت

اوست، تعریف می‌کند. برای مثال، این که «هر کسی باید به وعده‌هایش وفا کند» اصلی وابسته به فاعل است. این اصول به فرد می‌گویند که چه کاری را می‌توان انجام داد یا چه کاری را نباید انجام دهد، بدون آن‌که به نتیجه یا وضعیت مشترکی را که همه افراد باید در ارتقاء آن بکوشند، توجه کند.^۱ نظریه‌های وظیفه‌گرایانه از منظرهای متفاوت دارای اقسام مختلفی از جمله عقلی و الهی هستند.

در اندیشه دینی، ایثارگری در مراحل اعلی در گرو رهایی از اندیشه خودخواهانه و جذب اندیشه دیگرخواهانه و خداخواهانه است. همان‌طور که در سوره مبارکه حشر گفته شد، ویژگی‌هایی مانند ایمان و محبت در ایثارگری، محل توجه است. مطابق سوره مبارکه حشر، کسانی که قبل از مهاجران در مدینه جای گرفته و ایمان آورده‌اند؛ هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده، دوست دارند، حسد نمی‌ورزند و هرچند در خودشان احتیاجی مبرم باشد، آن‌ها را بر خودشان مقدم می‌دارند (نک: سوره مبارکه حشر، آیه ۹). در ایمان، انگیزشی وجود دارد که انسان را به ایثارگری و از خودگذشتگی می‌رساند. خصوصیت و ویژگی خاصی وجود دارد که وجود آن در انسان، موجب می‌شود تا خواست دیگران را بر خواست خویش مقدم نماید.

در آیات قرآن کریم، معیار و پشتوانه برخی مسئولیتهای ایثارگرایانه، «وجه الله» و «رضایت خداوند» است.

وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا. (الإنسان: ۸-۹)

این آیه هم در وصف ایثارگری اهل بیت پیامبر است. مرجع ضمیر «عَلَى حُبِّهِ» می‌تواند

۱. برای مطالعه بیشتر درباره وظیفه‌گرایی و اقسام آن نک: نیگل، تامس، ۱۳۹۲، ص. ۵۰-۵۶؛ فرانکنا، ویلیام، کی، ۱۳۸۹، ص. ۴۶-۴۷؛ هولمز، رابرت. آله، ۱۳۸۵، ص. ۴۶-۴۷.

هم «محبت به خداوند» و هم «محبت به غذا» باشد که هر دو در ترجمه‌ها و تفسیرهای آیه شریفه، آمده است. بنابر اینکه مرجع ضمیر «عَلَى حُبِّهِ» طعام باشد، یعنی شدت احتیاج به طعام داشتند. معلوم است یک قرصه نان جو برای آدم روزه دار که افطار او است و هم سحری او چه اندازه احتیاج دارد و مع ذلک از خود باز گیرد و به مسکین دهد که اسمش ایثار است. همچنین می‌تواند بنابر این باشد که مرجع «الله» باشد. چنانچه در آیه بعد می‌فرماید: *إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ* از شدت حب الهی اطعام کردند. (طیب ۱۳۷۸، ج. ۱۷، ص. ۳۱۹) اخلاص در ایثار به معنای اینست که با انگیزه الهی، دیگران را مقدم بدارد. «وجه الله» اشاره به همین انگیزه الهی و نفی هرگونه انگیزه خودگرایانه است. در هر دو صورت، آن‌ها مسئولیتشان در قبال فقیر و طفل و اسیر، بر پایه «حب الهی» و «وجه الله» و وظیفه گرایانه انجام داده‌اند. براساس ادامه آیه شریفه، نفی پاداش و جزا شده است، زیرا آنها انتظار هیچ گونه پاداش و تحسینی از دیگران ندارند. *(لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا)*

براساس روایات تفسیری، ایثارگری می‌تواند به مقامی برسد که تعلقات فردی را هم نادیده بگیرد. زیرا عموم آیه درباره بینوا، یتیم و اسیر، مطلق است. به خصوص درباره اسیر که عموماً مشرک بوده‌اند. در روایات تفسیری نیز بر این توجه داده است که آنها غذای خویش را به «بینوا» و «یتیمی» از مسلمانان و «اسیری» از مشرکان، ایثار می‌کنند. همچنین ادامه آیه نیز خبر الهی از ضمیر ایشان است؛ زیرا آنان این سخن را به اطعام شدگان اظهار نداشتند بلکه در دلشان نهفته داشتند.^۱

۱. الأُمالی للصدوق عن أبي عبد الله عن أبيه عليهما السلام - في تفسير الآيات من سورة «هل أتى»: «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» يقولُ: عَلَى شَهْوَتِهِمْ لِلطَّعَامِ وَإِثَارِهِمْ لَهُ «مَشْكِينًا» مِنْ مَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ «و یتیمًا» مِنْ یتامی الْمُسْلِمِينَ «و أسیرًا» مِنْ اساری الْمُشْرِكِينَ، و يقولونَ إِذَا أَطْعَمُوهُمْ: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا». قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اللَّهُ مَا قَالُوا هَذَا لَهُمْ، وَ لَكِنَّهُمْ أَضْمَرُوهُ فِي أَنْفُسِهِمْ، فَأَخْبَرَ اللَّهُ بِأَضْمَارِهِمْ، يَقُولُونَ: «لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً» تُكَافِئُونَنَا بِهِ، «و لَا شُكُورًا» تُثْنُونَ عَلَيْنَا بِهِ، وَ لَكِنَّا إِنَّمَا أَطْعَمْنَاكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ وَ طَلَبِ تَوَابِهِ، ابن بابويه ۱۴۰۰: ص ۳۳۳ ح ۳۹۰.

در آیات سوره مبارکه بقره، وصف ایثارگری متعلق رضایت الهی قرار گرفته شده است. وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ «و از مردم، کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد، و خدا به [این] بندگان، مهربان است». (بقره، ۲۰۷)

به اتفاق خاصه و عامه این آیه شریفه در شأن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و وصف ایثارگری ایشان در ليله المبيت، نازل شده است. در این شب، پیامبر به حضرت علی، حکم خدا را فرمود که «حکم خدا آنست که تو در بستر من بخوابی» علی علیه السلام عرض کرد: اگر من چنین کنم آسیبی به حضرت تو نرسد؟ فرمود: بلی من در امان حضرت حق باشم. حضرت چون این بشارت شنید، گفت: الآن طاب الموت. در وصف این ایثارگری نیز ثعلبی نقل نموده است که چون این حال از علی بن ابی طالب علیه السلام صادر شد، ملائکه زمین و آسمان و جن و انس در تعجب افتادند، زیرا چنین مواسات از جبلت انسانی دور و از طبیعت بشری بعید است. (حسین حسینی شاه عبدالعظیمی ۱۳۶۳، ج. ۱، ص. ۳۷۱-۳۶۹)

در این آیه شریفه، چند نکته مرتبط می توان گفت. اولاً چنین مسئولیت های خطیر و ایثارگرایانه ای را نباید از عموم مردم و انسان ها مطالبه داشت. بلکه انسان هایی که در قله دین و اخلاق هستند، می توانند چنین ایثارگرایانه عمل کنند و جان خویش را چنین آگاهانه فدا کنند. ثانیاً، در این آیه شریفه، پاداش و جزا، محل توجه نبوده است بلکه «کسب رضایت الهی و خشنودی خداوند» بوده است که فرد را به چنین وظیفه و مسئولیتی سوق داده است. ثالثاً، با توجه به شأن نزول آیه، فردی که مسئولیت ایثارگرایانه را انجام دهد و جان خودش را در معرض خطر قرار دهد، هرچند که حادثه ای برای وی اتفاق نیفتد اما همین که چنین عملی با نیت ایثارگرایانه از وی صادر شده، موجب ستایش است.

سه. فضیلت گرایي

در مقابل نظریه‌های وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی که تأکید بر رفتارها داشتند؛ در فضیلت‌گرایی، حکم به خوب یا بد، مسئول بودن یا نبودن، سزاوار مدح یا ذم و غیره با توجه به ویژگی‌های منش، انگیزه‌ها و شخصیت‌ها داده می‌شود. محوری‌ترین گزاره و نقطه تمایز فضیلت‌گرایی، تأکید بر فضایل منش است. در تحلیل آن‌ها، کنش و افعال بیرونی، تابع منش و درونیات انسان است. هرچند معیار اصلی فضیلت‌گرایان در ارزیابی اخلاقی، توجه به انگیزه‌ها، عواطف، منش‌ها و ملکات نفسانی است، اما برخی از آن‌ها در گزینش و تحلیل فضایل به معیار نظریه‌های دیگر مانند وظیفه یا سود، خود یا دیگری هم توجه دارند. بنابراین، فضیلت‌گرایی نظریه‌ای سازگار با رویکردهای فایده‌گرا و وظیفه‌گرا است. محصول ترکیب فضیلت‌گرایی با آن‌ها، شکل‌گیری اخلاقی است که اهتمام بر ملکات درونی انسان دارد. (نک: فرانکنا، ۱۳۹۲، ۱۴۱-۱۴۳) بنابراین فضیلت‌گرایی در اخلاق هنجاری فضایل را به منزله معیار می‌پذیرد. فضیلت‌گرایی عنوان عامی برای هر نظریه‌ای است که توجه به فضایل دارد.

در برخی از گزاره‌های دینی، رویکردی فضیلت‌گرایانه الهیاتی به مسئولیت‌های ایثار‌گرایانه شده است. معیار و امر پیشین در ایثار، ایمان است. هر چه ایمان در وجود انسان تقویت شود، به خصلت ارزشمند ایثار، نزدیک‌تر می‌گردد. بر همین اساس فرمایشات معصومین نقل شده است. «انسان، در بالاترین مراتب ایمان، ایثارگر می‌شود». «مؤمنان کامل‌اند که در سختی، دیگران را بر خود، مقدم می‌دارند» و همچنین «هر چه ایمان، کامل‌تر شود، قدرت ایثارگری در انسان، افزون می‌گردد تا به مرتبه ایثار جان و جانبازی می‌رسد». «خلوص ایمان، منجر به نیکی کردن و رفع حوائج دیگران می‌شود»

مؤمن و فردی که به مقام ایمان رسیده است، امکان پذیرش این برای انسان است که فراتر از این برود که دارایی‌اش را با دیگران تقسیم کند بلکه وی می‌تواند به جایی برسد که «همه آنچه را که دارد را ایثار کند». (نک: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۱، ج. ۱، ص. ۱۴۵-۱۱۳ و محمد محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج. ۱، ص. ۱۹-۱۸)

در برخی از روایات، رویکرد فضیلت‌گرایانه به ایثار کاملاً مشهود است. گذر از نفس، موجب نمایان شدن گوهر نفس و موجب می‌شود که فرد به مقام و فضیلت کرم دست یابد. من آثر علی نفسه إستحقاق إسم الفضيلة... من آثر علی نفسه بالعلی المروءة کسی که ایثار کند، سزای نام برداری به فضیلت است... کسی که ایثار کند، در مرورت به اوج رسیده است.. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۳۹۶)

الإیثار فضیلة، الإحتکار رذیلة ایثار کردن، یک فضیلت است و در مقابل، انحصار طلبی، یک رذیلت است. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۳۶۱)

خیر الناس من تحمّل مؤونة الناس؛ بهترین افراد کسانی هستند که زحمت مردم را تحمّل کنند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج. ۱، ص. ۸۵)

کن عفواً فی قدرتك، جواداً فی عسرتك، مؤثراً مع فاقتك؛ یکمّل لک الفضل. هنگامی فضل انسان کامل می‌گردد که در هنگامه قدرت، باگذشت باشد و در گاه تنگ‌دستی بخشنده، و در وقت نیازمندی، ایثارگر باش، در این صورت است که فضل انسان کامل گردد. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۴۶)

من شیم الأبرار حمل النفوس علی الإیثار. وا داشتن نفس به ایثار، از خصلت‌های نیکان است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۳۹۶)

براساس رویکرد فضیلت‌گرایانه، فرد فضیلت‌مند، بر حسب تمایل به خصلت‌های

خوب اخلاقی، ایثار می‌ورزد، برای اینکه ایثار، برترین درجه خصلت‌های بزرگوارانه اخلاقی است. انسان باید اخلاق خود را رام خوبی‌ها و کمالات کنید و آنها را به سوی خصلت‌های والا بکشاند. خویشتن را به بردباری عادت دهد و در آنچه بخل می‌ورزد، با شکیبایی ایثار کند.

نتیجه‌گیری

از منظر اخلاق نقلی، گذشت از خویشتن، امری امکان‌پذیر بلکه امری پسندیده است. هرچند که برای عموم انسان‌ها در مراحل نخست زیست اخلاقی دشوار باشد اما در افعال انسان‌های اسوه و الگوهای اخلاقی و دینی نمایان شده است. ایثار و از خود گذشتگی در اخلاق دینی، امری پسندیده و از فضایل اخلاقی شمرده شده است، اما ضوابط و شروطی دارد که باید بدان‌ها توجه کرد. ایثاری که نامعقول یا بی‌هدف یا به ضرر و حسرت شخص دیگرگرا بینجامد، امری نامعقول است. به همین منظور در آیات و روایات مختلف، توصیه به رعایت آداب و رفتار و نیت پسندیده و پرهیز از افراط و تفریط شده است. از جمله اینکه توجه به آداب ظاهری و نیت باطنی شده است (بقره: ۲۶۲-۲۶۴). یا توصیه به رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط شده است (اسراء: ۲۹). «یا به تعبیری باید رعایت «حالت قوام و اعتدال» باشد. (فرقان: ۶۷) بنابراین اصول اخلاقی مانند ایثارگری، اصولی هستند که از افراد در رشد اخلاقی و در واقعیات روزمره زندگی اتفاق می‌افتند. تحلیل هنجاری آیات و روایات مرتبط با ایثارگری نشان داد که این مسئله به صورت تک‌وجهی نیستند بلکه دلایل و وجوه مختلف در ایثارگری است. به تعبیر دیگر، لزوماً اینگونه نیست که از خودگذشتگی انسان، به واسطه دلیل واحدی باشد بلکه دلایل مختلفی در اینجا وجود دارد. گاه نتایج، گاه وظایف و گاه فضایل درونی هستند که انسان را به مسیر از خودگذشتگی سوق می‌دهند. شاید فرد ایثارگری صرفاً به یک دلیل مثلاً کسب نتایج اخروی یا بهشت برین، به ایثارگری برسد اما فرد دیگری به دلایلی از جمله رضایت الهی، فضایل درونی و توجه به نتایج دنیوی و اخروی؛ ایثار و از خودگذشتگی کرده باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۴۲۶ هـ. ق)، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، طلیعة النور، [بی جا].
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، و هارون، عبد السلام محمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، ۶ ج. قم ایران، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۰)، *أمالی الصدوق بیروت*، لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۵. آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، محدث، جلال‌الدین، علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، و آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *شرح غرر الحکم (خوانساری)*. ۷ ج. تهران - ایران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسایل الشیعه*، قم مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
۷. حسین حسینی شاه عبدالعظیمی (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: انتشارات میقات، چاپ اول.
۸. خلیل بن احمد، آل‌عصفور، محسن، مخزومی، مهدی، و سامرائی، ابراهیم (۱۴۰۹)، *العین*. ۹ ج. قم - ایران: مؤسسه دارالهجرة.
۹. غزالی، محمد بن محمد، (بی تا) *إحیاء علوم الدین*، دارالکتاب العربی، [بی جا].
۱۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۷ هـ. ق). *المحجة البیضاء*، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، قم - ایران.
۱۱. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۹۱ هـ. ش) *دانشنامه قرآن و حدیث*، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر، قم - ایران.
۱۲. لاودن. روبرت. بی (۱۳۹۲)، «*اخلاق فضیلت*»، در *دانشنامه فلسفه اخلاق*. ترجمه و تدوین انشاءالله رحمتی، تهران: نشر سوفیا.
۱۳. فرانکنا. ویلیام. کی (۱۳۸۹)، *فلسفه اخلاق*. ترجمه هادی صادقی، قم: کتاب طه.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۱۵. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹)، *میزان الحکمه*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۹. بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. خطیب، عبدالکریم، (بی تا)، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت، دارالفکر العربی.
۲۱. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۲۲. صادقی، هادی؛ خوانساری، محمد امین (۱۳۹۵)، *دیگرگروی اخلاقی: منظری قرآنی*، مجله پژوهش نامه اخلاق، ش ۳۲.
۲۳. طیب سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، جلد ۱۷ - صفحه ۳۱۹، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۲۴. نراقی، مهدی بن ابی ذر (بی تا)، *جامع السعادات*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت - لبنان.
۲۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۸)، *معراج السعاده*، هجرت، قم - ایران.
۲۶. نیگل، تامس (۱۳۹۲)، «فلسفه اخلاق»، *دانشنامه فلسفه اخلاق*. ترجمه و تدوین انشاءالله رحمتی، تهران: نشر سوفیا.
۲۷. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰)، *مجموعه ورام قم*، چاپ: اول.
۲۸. هولمز. رابرت. آل. (۱۳۸۵)، *مبانی فلسفه اخلاق*. چاپ سوم، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.
۲۹. هورکا. تامس (۱۳۹۲)، «اخلاق غایت گرایانه»، *دانشنامه فلسفه اخلاق*، ترجمه و تدوین انشاءالله رحمتی، تهران: نشر سوفیا.